

ابدع البدایع

گفتاری درباره علم بدیع و بدیع‌نگاری در زبان عربی و فارسی

حسین جعفری

ابدع البدایع
محمدحسن شمس‌العلمای گرکانی
انتشارات احرار تبریز

اتفاقاً بلاغت عرب نیز با عرب بدوی همجنس و سازگار بود یعنی عبارت بود از: توجه به بلاغت درونی واژگان و تسلط هر چه بیشتر بر فرهنگ واژگان و صرف و نحو تراش نیافته و عمدتاً نامتعارف.

اعجاز قرآن در حوزه الفاظ آن بود که ویژگی به شدت خشن و بدوی را از کلام عرب گرفت و با دستور زبانی متعادل و نسبتاً عامه فهم، عرب را متوجه زیبایی‌های دیگری - که پیش از آن از آن بی‌نصیب بود - کرد. مثلاً در آیه جثک من سبأ نبأ یقین (نمل/ ۲۲) هم‌نشینی سبأ و نبا در کنار هم و هم‌وزنی و اشتراک الفاظشان مخاطبین را متوجه نوعی تناسب الفاظ نمود که بعدها در بدیع از آن به نام ازدواج یا اعنات قرینه یا تضمین مزدوج یاد شد. یا در آیات انّ الینا ایاهم ثم انّ علینا حسابهم (غاشیه / ۲۵ - ۲۶) و انّ الابرار لفی نعیم و انّ الفجار لفی جحیم (انفطار/ ۱۳-۱۴) بین واژگان پاره اول و دوم کلام تناسب‌هایی از جهت هم‌وزنی و تضاد باعث شگفتی خواننده می‌شود. این هنرمندی نیز بعدها ترصیع نامیده شد. جناس‌های قرآن نیز از

بدیع یکی از علومی است که به برکت نزول قرآن به وجود آمد. در سال‌های نخست بعثت پیامبر، مهم‌ترین دغدغه مسلمانان درخصوص قرآن، حفظ و به خاطر سپردن آن بود، زیرا بیم آن می‌رفت که پس از مدتی آیه یا آیاتی از اذهان فراموش شود. بعد از آن که تعداد حافظان رو به فزونی نهاد و به تدریج آیات وحی مقید به خط گردید، نگرانی مزبور فروکش کرد و مسلمانان مجال آن یافتند تا در کلام الهی تأمل و درنگ بیشتری نمایند و از آن علمی چون تفسیر، تجوید و قرائت و علوم مربوط به بلاغت به وجود آمد. علم بدیع نیز به همین واسطه پیدا شد و از آنجا که نقد فنی از دیر باز در مشرق زمین و در ملل اسلامی محبوب‌ترین نقد محسوب می‌شد، جایگاه ویژه و گسترده‌ای پیدا نمود.

پیش از اسلام شعر عرب بیشتر معناگرا بود، معنایی از جنس خواسته‌ها و علایق عرب بدوی، نظیر وصف رسم و اطلال و دمن معشوق، وصف شتر، مفاخره، مغالزه، شکایت، بیان امتیازات فردی و قومی، ذکر دلاوری‌ها، ذکر توانایی در انس گرفتن با وحوش و مبلغی پند و اندرز از نوع بدوی.

کهن‌ترین اثر بلاغی که به زبان فارسی به جا مانده است، ترجمان‌البلاغه است که سال‌ها به فرّخی نسبت داده می‌شد و البته از خود کتاب اثری نبود. بعدها با تلاش پروفیسور احمد آتش نه تنها نسخه‌ای کهن از آن به دست آمد، بلکه تعلق آن به محمد بن عمر رادویانی مسجّل گردید

زیبایی‌هایی برخوردارند و در اعجاز الفاظ قرآن سهم مهمی دارند. اختلاف معنایی در «یوم تقوم الساعة یقسمون المجرمون ما لبثوا غیر ساعة» (روم/ ۵۵) و یا جناس‌هایی از قبیل: ویل لکل همزه لمزه (همزه/ ۱) و هم یحسبون انهم یحسنون صنعا (کهف/ ۱۰۴) و التفتت الساق بالساق الی ربک یومئذ المساق (قیامت/ ۳۰) و زیبایی‌های فراوان فرصت که آوردن نمونه بسیار در این مقال نیست.

گفتیم که مسلمانان به تدریج به آرایش‌های کلام قرآنی پی می‌بردند تا این که ابن معتر (متوفی ۲۹۶) خلیفه یک روزه عباسی - که بهره‌ای از فضل و دانش داشته است - برای نخستین بار در سال ۲۷۴ هجده صنعت ادبی از قرآن را استخراج کرد و برای هر کدام شواهدی آورد. کار وی در مجموعه‌ای کم‌حجم به نام «کتاب البدیع» گرد آمد و منشأی برای کتب بدیعی بعد از خود گردید. بعد از ابن معتر، علمای بلاغت به تعداد صنایع افزودند. به عنوان مثال قدامة ابن جعفر (متوفی ۳۳۴) این صنایع را به ۲۰ مورد رساند که هفت مورد آن با ابن معتر مشترک و سیزده مورد آن جدید بود. به این ترتیب ده مورد ویژه ابن معتر باقی ماند و تا این زمان به سی مورد بالغ شد. ابو هلال عسگری آنها را به سی و هفت مورد رساند.

ایرانیان مثل علوم دیگر در موضوع بدیع نیز به سرعت وارد عمل شدند و ابتکار را از دست اعراب خارج نمودند. کهن‌ترین اثری که به زبان فارسی به جا مانده است، ترجمان‌البلاغه است که سال‌ها به فرّخی نسبت داده می‌شد و البته از خود کتاب اثری نبود و از منابعی چون حدائق‌السحر و طواط و تذکره‌الشعراى سمرقندی استنباط می‌شد که فرخی کتابی به این نام داشته است. بعدها با تلاش پروفیسور احمد آتش نه تنها نسخه‌ای کهن از آن به دست آمد، بلکه تعلق آن به محمد بن عمر رادویانی مسجّل گردید. این اثر بر اساس کتاب محاسن‌الکلام مرغینانی نوشته شده است. محاسن تنها سی و سه صنعت ادبی داشت اما در ترجمان‌البلاغه یکبارہ این تعداد به هفتاد و سه رسید، یعنی بیش از دو برابر منابع عربی.

روند بدیع‌نگاری پارسی با رشیدالدین وطواط و دیگران ادامه یافت تا در ابداع البدایع - که مجموعه آرایه‌های کتب عربی و فارسی را همراه افزوده‌های مؤلف دارد - به دوپست و

سی عدد رسید.

ابدع‌البدایع تألیف حاج محمدحسین شمس‌العلمای گرکانی به تعبیر اخوان ثالث مفصل‌ترین و آخرین تألیف معتبر فارسی در فن بدیع است. این کتاب به سال ۱۳۲۸ هجری قمری در دوران حکومت احمدشاه قاجار در قطع رقعی و با خط نستعلیق در ۴۲۵ صفحه چاپ سنگی شده است. بار دیگر در سال ۱۳۷۷ نگارنده این مقاله آن را با تعلیقات و توضیحات لازم در انتشارات احرار تبریز به چاپ رساند.

آنچه از ابداع‌البدایع و سایر کتب بدیعی بر می‌آید آن است که بدیع اگرچه به برکت قرآن به وجود آمد اما در قرون بعد به قرآن منحصر نشد، بدین معنی که آرایه‌هایی اختراع شد که شواهدی از قرآن نداشت ولی انصاف باید داد که همواره افزایش تعداد آرایه‌ها به معنی رشد و ارتقاء واقعی علم بدیع نبوده است زیرا آرایه‌های اصیل عمدتاً همانهایی است که بر اساس نیاز واقعی تعریف شده بودند. در قرون بعد نوعی رقابت کاذب در آرایه‌تراشی پیدا شد که نه ضرورتی داشت و نه جایگاهی برای خود یافت. در حالی که آرایه‌های مورد نیاز کلام سنجیده و به دور از تکلف‌های نامتعارف راه خود را در جامعه ادبی گشود و آرایه‌هایی چون جناس، ترصیح، ایهام، تلمیح، سجع، حسن تعلیل و... در میان مردم ماند و محبوبیت خود را حفظ کرد، و در دیگر سو، صنایعی چون فراید، عطف زینت، تنکیت، تمکین، تطریز، تعطف و... از دایره کتب بدیعی قدم فراتر نهاد.

ذهن خلاق و زیبایی‌شناس معاصر نیز آرایه‌های اصیل را شناخته و چند مورد مهم چون تشخیص و متناقض‌نما و حس‌آمیزی به آن افزوده است. اگر تعداد افزوده‌های آرایه‌های ادبی در عصر حاضر اندک و در عین حال مفید است از این روست که مبنای جمال‌شناختی معاصر با نوع کهن آن تفاوت یافته است.

اگر بگوییم که امتیازات ابداع‌البدایع فراتر از آن است که در بیان آید مبالغه‌آمیز خواهد بود اما این کتاب در طول دقیقاً صد سال اخیر که از تألیف آن می‌گذرد مورد توجه فضلا، علما و استادان فن بوده و یکی از منابع غنی و مورد اعتماد بدیع به حساب آمده است. مطلب حاضر به بهانه صدمین سال تألیف این اثر گرانشنگ به رشته تحریر درآمد تا باشد که نکوداشت و یادآوری اهل فضل و هنر - که رسمی پسندیده است - پایدار بماند.